

## تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری در سازمان‌های دولتی ایران<sup>۱</sup>

افشین آریایی<sup>۲</sup> - محمد ضیال‌الدینی<sup>۳</sup> - ملیکه بهشتی فر<sup>۴</sup>

### چکیده

زمینه: دولت‌ها در پرتو نظریه منشوری باید بتوانند وظایف خود را به خوبی تفکیک ولی ساختارها را با دقت زیادی منسجم کنند تا برای توسعه و پیشرفت کشورها با معضلات کمتری مواجه شوند. شناخت و توصیف معضلات قوه مجریه، زمینه مناسب را برای شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها ایجاد کرده و به مدیران ارشد سازمان‌های دولتی کمک می‌کند تا با تصمیم‌گیری مناسب، گام‌های مؤثری در جهت توسعه کشور بردارند.

هدف: هدف از ارائه این تحقیق، تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری است.

روش تحقیق: تحقیق حاضر از جنبه هدف، توسعه‌ای - کاربردی بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۹ نفر از خبرگان سازمان‌های دولتی ایران جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوا، تحلیل شدند و در نهایت همه ابعاد و مؤلفه‌های به‌دست‌آمده با تکنیک دلفی فازی تحلیل و تأیید شدند.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد از نظر خبرگان معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری شامل ابعاد پنجگانه وجود ساختار نامناسب، نظارت نامناسب، نبود قوانین منسجم، وجود سازوکارهای سیاسی نامناسب، نادیده گرفتن ارزش‌ها و ۳۲ مؤلفه مربوطه است.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که دولت در راستای تفکیک وظایف و انسجام ساختارها؛ با معضلات عدیده و پیچیده‌ای روبروست لذا به مدیران هیات دولت پیشنهاد می‌شود. کشور توسط نظامی هدایت شود که رهبران آن به حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت، و حق بهره‌گیری از حقوق انسانی و مدنی توجه نموده تا ساختار نامناسب کنونی تغییر و اصلاح گردد و در جهت حل مشکلات اجتماعی کارمندان و مدیران با تعامل و همکاری ترکیب گونه و چندجانبه که منجر به توانمندی و تحول و خلاقیت تیمی منجر به حاکمیت قوانین منسجم بجای نبود قوانین منسجم در حال حاضر گردد. همچنین بهبود کیفیت فعالیت‌ها که یکی از راه‌های پاسخگویی به الزامات محیطی است و از طریق ارزیابی و پاداش‌دهی مناسب مشخص می‌گردد نظارت نامناسب را اصلاح می‌نماید. وجود سازوکارهای سیاسی نامناسب معضل دیگری است که در این رابطه نیاز است مدیران دولتی با بصیرت سیاسی و بهبود عملکرد منابع انسانی منجر به پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌های درست در کشور شوند با سپردن مسئولیت به مدیران بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و متناسب با شغل چه در سیاست‌های پیشگیرانه و چه در زمان بحران از طریق ارزش‌های اخلاقی و ارتباطات باعث توجه بیشتر به ارزش‌ها گردیده و از نادیده گرفتن ارزش‌ها جلوگیری به عمل می‌آید.

واژگان کلیدی: معضلات قوه مجریه، نظریه منشوری، سازمان‌های دولتی

<sup>۱</sup> این مقاله برگرفته از رساله دکتری افشین آریایی

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

af4890@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه مدیریت، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول). mziaaddini@yahoo.com

<sup>۴</sup> دانشیار گروه مدیریت، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران، m.beheshitfar@yahoo.com

## مقدمه

تنها حفظ نظم عمومی در جامعه و انجام خدمات محدودی می‌دانست، متروک شده است. اینان معتقدند در طول زمان وظایف و مسئولیت‌های قوه مجریه افزایش یافته و محدوده ترسیم شده توسط طراحان نظریه تفکیک قوا را نیز درهم شکسته و امروزه این قوه در اکثر کشورها به اموری می‌پردازد که از حیثه صلاحیت اجرایی او فراتر رفته و با امور قانون‌گذاری و قضایی مرتبط می‌شود، نقش قوه مجریه در اعمال سایر قوای حکومتی نیز تا آن حد است که برخی از استادان گفته‌اند قوانین مصوب قوه مقننه بدون همکاری اداره [قوه مجریه] اجراشدنی نیست و مهم‌تر آن‌که بسیاری از قانون‌ها به یاری اداره تنظیم و تدوین می‌شود. حتی برخلاف گمان عامه، اغلب قوانین اثر واقعی و نتیجه عملی قوه مقننه نیست، چراکه قوانین در حقیقت لایحه‌هایی هستند که قوه مجریه تصویب آن‌ها را به قوه مقننه پیشنهاد می‌کند. زیرا اصولاً در خصوص ارائه پیشنهادها تقنینی و شروع قانون‌گذاری بیشتر از قوه مجریه توقع چنین امری می‌رود. در خصوص قوانین موضوعه نیز قوه مقننه معمولاً به تعیین اصول کلی اکتفا می‌کند و تعیین جزئیات قوانین به عهده مقامات اجرایی گذاشته شده است (طباطبایی، ۱۳۸۶). مجریان نظام اداری هم باید مورد توجه واقع شوند، زیرا بسیار اتفاق افتاده که بهترین برنامه‌ها از سوی مجریان ناصالح و نظام اداری ناسالم دچار تباهی و شکست شده و مغایر باهدف‌های آن برنامه به اجرا درآمده است، به طوری که گاهی آنچه روی داده است، در تضاد با خواست برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران است. به هر حال به خاطر ناهمگونی نظام اداری حاکم بر جامعه با نظام سیاسی و آرمان‌های آن اداره امروز به صورت سد بزرگی در راه رسیدن به هدف‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی درآمده است. ریاست کشور همواره در عالی‌ترین سطح قوه مجریه قرار دارد و شاخص جامعه سیاسی و نمای موجودیت یک کشور است. یکی از مهم‌ترین سازمان‌هایی که

امروزه تفاوت‌های گسترده‌ای در سطح توسعه‌یافتگی و در نتیجه سطح درآمد و رفاه میان کشورهای توسعه‌یافته و دیگر کشورها وجود دارد. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه که به صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، بحث نهادها و توسعه است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه تا حدی است که برخی محققین نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت رشد و توسعه کشورها می‌دانند (عجم اغلو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). دولت‌ها مهم‌ترین نهادی هستند که بر توسعه کشورها تأثیر می‌گذارند.

فرد ریگز<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) کشورها را در یک پیوستار؛ به جوامع متراکم و تفکیک‌شده تقسیم کرد. لذا جامعه‌ای که بسیار تفکیک‌شده و به‌خوبی یکپارچه‌شده است، جامعه تفکیک‌شده نامیده می‌شود، اما جامعه‌ای که تفکیک‌شده ولی به‌خوبی یکپارچه نشده است جامعه منشوری نامیده می‌شود. اما اگر جامعه‌ای تفکیک‌شده است و در آن هرکسی می‌تواند کاری را انجام دهد جامعه متراکم نامیده می‌شود. جوامعی که در آن سنت و تجدد، قدیم و جدید، متخصص و کلی‌دان باهم همزیستی دارند (دانایی‌فرد والوانی، ۱۳۸۶). قوه مجریه قوه‌ای است که اجرای قانون را «کنترل می‌کند». لذا مقامات سیاسی قوه مجریه اجرای قانون را مدیریت و سرپرستی می‌کنند و آنچه اجرای قانون نامیده می‌شود مربوط به کارکنان اداری قوه مجریه است، نه مقامات سیاسی آن (پراکاش و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

از این رو مشخص است که «اجرای صرف قانون» و «کنترل اجرای قوانین» و «مدیریت آن‌ها» اگرچه مرزهای مشترکی دارند، باهم متمایزند و اجرای قوانین بر عهده مقامات اداری قوه مجریه و مدیریت و کنترل اجرای قوانین بر عهده مقامات سیاسی این قوه است. پیروان این رویکرد معتقدند امروزه مفهوم دولت که برای دولت یک نقش انفعالی قائل بود و وظیفه او را

عضلات آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است، سازمان قوه مجریه می‌باشند. رسالت و کارکرد اساسی قوه مجریه، اجرای تصمیمات می‌باشد. شناخت معضلات قوه مجریه، زمینه مناسب را برای شناسایی نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را به‌منظور تصمیم‌گیری توسط مسئولان قوه مجریه فراهم می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا در جهت توسعه سازمان خود گام بردارند.

عضلات قوه مجریه، برای پیشبرد حاکمیت خوب، مانعی مهم برای پیشرفت‌های اجتماعی-اقتصادی در جامعه‌ها محسوب می‌شود (عزیز، ۲۰۰۹). در حکمرانی خوب فساد در حداقل میزان خود است؛ دیدگاه حداقل‌ها به حساب آورده می‌شود و صدای اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌ها شنیده می‌شود (فاضلی و جلیلی، ۲۰۱۳). فرد دبلیو ریگز، استاد دانشگاه هاوایی است که در فاصله سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۷ به‌عنوان استاد رشته علوم سیاسی به تدریس و تحقیق بوده و در زمینه‌های مختلف سیاست‌گذاری، اداره امور دولتی و علوم اداری در جوامع در حال توسعه به تحقیق و بررسی پرداخته است. فعالیت‌های آموزشی ریگز اگرچه دارای اهمیت قابل‌توجهی است اما آنچه این نویسنده را در میان علاقه‌مندان به دانش‌های مربوط به اداره جوامع و سیاست‌گذاری، محبوبیت می‌بخشد، نظریه‌ای است که او با برگرفتن از دانش فیزیک و ادغام آن با حوزه علوم انسانی تحت عنوان جوامع منشوری بیان نموده است. در بیان نظریه جوامع منشوری، ریگز به‌سوی رهیافت مربوط به کارکردگرایی ساختاری حرکت می‌کند. از این منظر، در تمامی جوامع کارکردهایی خاص قابل‌ملاحظه است: مرجعی باید به اختلافات پایان بخشد، کسی باید قانون وضع کند، گروهی باید به معالجه بیماران بپردازند، عده‌ای باید زباله‌های شهر را به بیرون ببرند و نیاز به انجام چنین کارهایی، عام، فراگیر و جهانی است. اما ساختارهایی که به کمک آن‌ها، این کارکردها صورت

می‌پذیرد، از جامعه‌ای به جامعه دیگر به‌شدت متفاوت است. ریگز عقیده دارد که دانشمندان علوم سیاسی در اثر توجه زیاد به کارکردها، ساختارها را موردتوجه یا فراموشی قرار داده‌اند. از نگاهی کلی، اگر پاره‌خطی را در نظر آوریم و در یک‌سوی این پاره‌خط، جوامع سنتی و در سوی دیگر آن، جوامع پیشرفته را قرار دهیم، جوامع سنتی، تنها از تعدادی محدود از ساختارها برای انجام فعالیت‌های مختلف بهره می‌جویند. به بیانی دیگر، این ساختارها درهم‌آمیخته و نامتمایزند. اما بالعکس در جوامع توسعه‌یافته، شمار بزرگ‌تر و بیشتری از ساختارها با کارکردهایی بسیار مشخص‌تر وجود دارند. از این منظر، فرایند توسعه‌یافتگی و نوگرایی شامل افزایش تمایزهای ساختاری می‌شود. این اندیشه اگرچه تفکری نو محسوب نمی‌شود و ردپای آن را در نوشته‌های بسیاری دیگر از نویسندگان و اندیشمندان از جمله «دورکیم» و مبحث انواع همبستگی‌های او و همچنین «تونیس» و بحث‌های جامعه و اجتماع او می‌توان سراغ گرفت اما ریگز برای آنکه به مخاطبان خود تصویری شفاف و روشن از آنچه در ذهن داشت ارائه نماید، به‌سوی دانش فیزیک گرایش پیدا کرده و بر روی پدیده نور و تجزیه آن در یک منشور متمرکز می‌شود (فرید و ریگز، ۱۹۶۴).

زمانی که نور از یک منبع نورانی مانند خورشید تابیده می‌شود، دارای حالتی به‌هم‌پیوسته است و تمامی امواج قابل‌دیدن نور در این نور حاضرند اما به دلیل ترکیب آن‌ها با یکدیگر، رنگ واحد و سفید به وجود آمده است. زمانی که این نور تجزیه می‌شود، همه رنگ‌ها همانند آنچه در یک رنگین‌کمان وجود دارد از یکدیگر جدا می‌گردند. در این حال، یکی از راه‌های تجزیه نور، استفاده از منشور است. نوری که از یک‌سو به منشور تابیده می‌شود از سوی دیگر منشور به‌صورت دسته‌های نورانی را رنگ‌های مختلف و جدای از یکدیگر خارج می‌شود و طیفی از رنگ‌های چندگانه را

امید به بهره‌گیری از محصولات دنیای خارج، ساخت‌های وارداتی را از کشورهای توسعه‌یافته برای خود می‌پذیرند. دفاتر گوناگون، مؤسسات مختلف و نهادهای متعدد نمودی از این خواسته آنان است. بسیاری از فعالیت‌های قدیمی در جوامع سنتی ممنوع می‌شود و همه‌چیز به‌سوی نوشیدن میل می‌کند. باین‌همه، سنت‌های کهن، حتی زمانی که در معرض پالایش نیز قرار گرفته‌اند باز از خلال همان ساختارهای جدید، خودنمایی می‌کنند و هنجارهای پیشین درحالی‌که الگوهای وارداتی پسین نیز موردقبول قرار گرفته‌اند، حفظ‌شده و خود را آشکار می‌سازند. این جوامع، گاه پا را فراتر نیز می‌گذارند و دست به تغییرات ساختاری شتابان می‌زنند. واردکردن چنین تغییراتی ساختاری، درحالی‌که از یک‌سو به افزایش درجه شکل‌گیری می‌انجامد، از سوی دیگر می‌تواند هزینه‌های گزاف اجتماعی و تنش‌هایی انقلابی را نیز به دنبال داشته باشد و زمان لازم برای ایجاد یک رفتار و نهادینه‌سازی آن را نیز بالا ببرد (فرید و ریگز، ۱۹۸۴).

این اساس آن چیزی است که در یک جامعه منشوری وجود دارد. در این حال، گاه تراکم ساختارها و رویه‌ها چنان است که تعجب را برمی‌انگیزد. اما تمامی این تأسیسات در عمل، فاقد کارایی لازم هستند. هیچ‌چیز آن‌گونه که ظاهر می‌شود نیست. یک اداره، یک‌نهاد، یک موسسه یا یک سازمان در یک جامعه منشوری، آن‌گونه که در یک جامعه توسعه‌یافته عمل می‌کند، کارآمد نیست. سیاست‌گذاران جامعه منشوری برای تشریح ظاهری که برگزیده‌اند به خلق عناوین زیبا می‌پردازند درحالی‌که عناوین به‌تنهایی، توضیح‌دهنده ساختارها نیستند. ریگز برای بیان آنچه در ذهن داشت مجبور به استفاده از واژگان جدید یا وضع کلمات نو بود. به باور او در یک جامعه منشوری، دیوان یا دفتر به معنای مصطلح در تعاریف دیوان‌سالاری نیست بلکه باید از یک واژه اسپانیایی یعنی سالا استفاده کرد.

به وجود می‌آورد. ریگز از این مثال فیزیکی، رو به‌سوی جوامع انسانی می‌آورد. از نگاه او، نور سفید یعنی نوری که مجمع نورهای جدا نشده و رنگ‌های درهم است، به‌منزله ساختارهای درهم‌تنیده و غیر متمایز یک جامعه سنتی است. این جامعه‌ای است که در آن تمایز ساختاری میان نقش‌ها در حداقل ممکن خود قرار دارد و رنگین‌کمانی که در آن‌سوی منشور به وجود می‌آید، بیانگر ساختارهای از یکدیگر متمایز یک جامعه مدرن است. اما این پایان ماجرا نیست و در کنار دو نقطه ورودی نور به منشور و خروجی نور از آن، نقطه دیگری نیز در درون منشور وجود دارد. نقطه‌ای که حائل میان دو حالت درهم شدن نور و از هم پراکندگی آن است (ملک محمدی، ۱۳۸۲).

این دیدگاه ریگز دارای اهمیت زیادی است. او در تطابق مثال فیزیکی خود با جامعه، نقطه میانی را نقطه حائل میان جامعه سنتی و مدرن تلقی می‌کند. این نقطه، همان‌جایی است که "مدرن منشوری" ریگز بر آن استوار است، زیرا در این نقطه از منشور است که نورهای به‌هم‌پیوسته از یکدیگر جدا می‌شوند. از نگاه بسیاری، این مورد، حکایت از تصویر جوامعی در حالت موقت و گذار از جامعه سنتی به‌سوی جامعه مدرن را دارد، اما ریگز بر این باور است که جامعه منشوری، یک دوره سختی در حال گذار نیست. موقعیت منشوری نه موقعیتی سنتی و نه موقعیتی مدرن است بلکه شامل مؤلفه‌های نوینی است که از کنار هم قرار گرفتن ساختارهای اجتماعی قدیمی و جدید نشأت می‌گیرد. او از به‌کارگیری اصطلاح "پله‌برقی نوگرایی" که ضمن آن، ویژگی‌های منشوری به‌سرعت ناپدید می‌شوند، ابا دارد و بر آن است که در یک جامعه منشوری باید ویژگی‌های موقعیت موردنظر را به‌گونه‌ای دقیق و ویژه درک کرد و آن را شناخت. از این رهگذر، او عقیده دارد که در چنین جوامعی، مسئله شکل‌گرایی و توجه به‌صورت ظاهر پدیده‌ها، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هاست. سیاست‌گذاران جوامع در حال گذار با

«سالا» که در معنای اداره استفاده می‌شود تنها به معنای اداره‌ای رسمی که در آن، فعالیت‌ها جریان دارد نیست بلکه به معنای اتاقی در منازل نیز هست که در آن، چیزهای سستی وجود دارد و کارهای سستی صورت می‌گیرد. به‌کارگیری این اصطلاح نشان می‌دهد که جامعه منشوری، عرصه ظهور دو جریان تعهدات رسمی و خواسته‌های فردی به‌صورت توأمان می‌باشد و این، مفهومی است با اصول بیان‌شده از سوی «وبر» در بیان تفکر بوروکراسی، همسازی و همخوانی ندارد. فعالیت‌های اقتصادی نیز در یک جامعه منشوری حالتی خاص به خود می‌گیرد و تأثیرات قابل‌توجهی را بر بازار می‌گذارد. قیمت‌ها در واقع پاسخی به قدرت متقابل الگوی تجاری و همچنین روابط غیر فردی میان عرضه و تقاضاست. در این حال، گروه‌های ذینفع به شکل موجود در کشورهای توسعه‌یافته، در جوامع منشوری نیز ظاهر می‌گردند اما معمولاً به شکل «باند» و «فرقه» رفتار می‌کنند. ریگز با جمع میان دو واژه یادشده، واژه‌ای جدید با عنوان Clects را به وجود آورد. این گروه‌ها در شکل ظاهری خود، شبیه مؤسسات و نهادهای موجود در جوامع پیشرفته هستند اما از نظر رفتاری مانند کلان‌ها یا خانوارهای سستی عمل می‌کنند. عضویت در آن‌ها محدود به افرادی است که دارای آیین‌های مذهبی، نژادی یا زبانی ویژه‌ای است. اهداف رسمی این گروه‌ها، کارکردهای سستی گسترده‌ای وسیع از فعالیت‌های درون آن‌ها را می‌پوشاند و از دیدگاه عادی پنهان می‌سازد. در جوامع منشوری، افراد وابسته به گروه‌های والامقام قادرند به‌تمامی انواع مزایا که حقوق قانونی برای دسترسی به آن‌ها وجود ندارد، دسترسی داشته باشند. اگرچه حقوق افراد سطوح پایین‌تر نیز گاهی به‌وسیله رویه‌های قضایی و حقوقی مورد حمایت قرار می‌گیرند. سرشت ابهام‌آلود قواعد به کمک اختلاط خارق‌العاده افسانه‌های دارای استاندارد عقلانی، با استقراض رسمی آیین‌ها از گذشتگان، آمیخته شده است و آنچه در مجموع حاصل

می‌آید، در ظاهر، چهره‌ای تقلیدشده از رویه‌های حقوقی را نیز به خود می‌گیرد. اما از آنجایی که حجم توافق‌های مربوط به هنجارهای پایه جامعه، چندان زیاد نیست و بسیاری از گروه‌ها از حوزه ملت، بیرون می‌افتد، مشکل می‌توان درخواست انقیاد از استانداردهای قانونی موجود را از همگان مطرح نمود. در این حال، آنچه به‌عنوان قواعد کنترل در چنین جوامعی شکل می‌گیرد، در مواردی همچون خشونت، پول و قواعد کارزمایی و به‌ندرت رویه‌های قانون اساسی خلاصه می‌شود. جامعه منشوری، جامعه ناکارآمد است و از کارآمدی جز در ظاهر اغواگر و فریبای الفاظ، سراغی نیست (ملک محمدی، ۱۳۸۲). لذا با توجه به مطالب بالا می‌توان به ابعاد مختلف معضلات قوه مجریه بنا به گفته‌های آذر و همکاران (۱۳۹۶)، میر محمدی (۱۳۷۸) و میر محمدی و همکاران (۱۳۹۴) می‌توان به ساختار و وجود سازوکارهای سیاسی نامناسب همچنین به نبود قوانین منسجم و نادیده گرفتن ارزش‌ها نام برد که هر یک از ابعاد دارای یک سری مؤلفه‌ها در این زمینه بوده است به‌طور مثال اثربخشی و تعامل بین مسئولین قوه مجریه کم است که این امر بر حل اختلافات موجود و در نتیجه اتخاذ تصمیمات موازی سایه افکنده است یا در امر نظارت در کلیه امور نیاز به بازنگری احساس می‌شود این موارد بر سیاست‌های کلیت در امر اجرا و وزارت دخالت داشته و بالطبع بر رفتارهای ارزشی و اخلاق سیاسی و فرهنگی نمایندگان این قوه تأثیرگذار بوده است این گوشه‌ای از معضلات این قوه بوده که در ادامه به‌صورت تفصیلی در حد امکان اشاره نمود. بنابراین در راستای ادبیات نظری، این پرسش مطرح گردیده که معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری کدامند؟

ابوکریم (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «دموکراسی، سیاست‌های حزبی و مدیریت خوب: نقش سازمان‌های نظارتی انتخاباتی در نیجریه» به این نتیجه رسیده است

اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی و مشاوره و هم‌فکری، شفاف نبودن مسئولیت و اختیارات رئیس‌جمهور، شفاف نبودن آراء و مسئولیت پاسخگویی قوه مجریه، ضعیف بودن تحرک و انسجام ارتباطاتی دولت با مجلس، وجود ترکیب ناهماهنگ و ناکارا در قوه مجریه، ضعف در بازنگری سازوکارهای نظارتی، ضعف نظارت بر نمایندگان، نداشتن تحول در انتخابات و ترسیم نبودن نقش ناظران مجلس، ضعف در نظارت مؤثر بر رفتار و عملکرد قوه مجریه، ضعف در بازنگری و کارآمد سازی فرایند قانون‌گذاری، ضعف در تبیین شفاف و حیطة‌بندی قوانین، ضعف در تعامل قوا و اصل تفکیک قوا، وجود چالش‌های قانون‌گذاری و اجرای قوانین، تغییر نکردن الزامات مشترک چشم‌انداز و سیاست‌های کلی، نامشخص بودن تکالیف مشترک برای تحقق مطلوب قانون اساسی، شفاف نبودن، ناکارا بودن و ضعف در قابلیت اجرایی قوانین، نبود انسجام و ثبات مناسب قوانین، نامناسب بودن سازوکارهای اثربخشی و چشم‌انداز سیاست‌های کلی تقنینی در اجرا و نظارت، اتکا رویکردهای مجلس و دولت به سند چشم‌انداز، ضعف تبیین ماهیت و مختصات درسیاست‌های کلی، جامع و فراگیر نبودن سیاست‌های کلی، ضعف در پایداری به رفتارهای ارزشی در نمایندگان و دولت‌مردان، وجود فرهنگ گفتاری و رفتاری نامناسب، تأکید نکردن بر التزام عملی دولت‌مردان و نمایندگان به قانون، ضعف نمایندگان و دولت‌مردان در اخلاق و منش تجمل‌پذیری بنابراین هدف تحقیق حاضر تشریح و تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری است.

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر از جنبه هدف جزء تحقیقات توسعه‌ای- کاربردی و ازلحاظ روش شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز در دسته تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش

که؛ دموکراسی در جهان به‌عنوان بهترین شکل حکومت پذیرفته‌شده است. اما در نیجریه اخیر حکومت آزادی‌های سیاسی و احزاب را برای موجودیت خود مخاطره‌انگیز می‌داند و به همین دلیل آن را محدود می‌کند. درحالی‌که تأثیر فرهنگ دموکراتیک بر توسعه اقتصادی-اجتماعی انکارناپذیر است. این مقاله توصیه می‌کند که نهاد دموکراتیک تقویت شود و برای ترویج دموکراسی و حکومت‌داری خوب، نظارت بر انتخابات ضرورت دارد. ساجد (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «نقش سازمان‌های جامعه مدنی در حکمرانی خوب در پاکستان» انجام داده است. بر اساس این پژوهش؛ جامعه مدنی نقش مهمی در تقویت ساختار حکومتی کشورهای توسعه‌یافته ایفا کرده است. سازمان‌های جامعه مدنی پایدار، در کشورهای توسعه‌یافته فرآیندهای پاسخگویی به نخبگان و نهادهای سیاسی را افزایش داده‌اند که به سیستم حکومتی شفاف‌تر منجر شده است. سازمان‌های جامعه مدنی به معنای مشارکت سیاسی بیشتر شهروندان هستند. الگوی نقش جامعه مدنی در حکمرانی خوب در کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه آمریکا، به کشورهای درحال‌توسعه نیز صادر می‌شود، اما نتایج نمی‌تواند مانند هم باشد.

در تحقیقاتی که عادل آذر و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت جمهوری اسلامی» همچنین سید محمد میرمحمدی (۱۳۷۸) با موضوع «مطالعه تطبیقی نظام‌های نظارتی» و سید محمد میرمحمدی و همکاران (۱۳۹۴) با پژوهشی در خصوص «الگوی روابط بین نهاد حاکمیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران» داشته‌اند مواردی زیر جزء معضلات قوه مجریه در ایران به آن‌ها اشاره شده است: اثربخشی و تعامل کم بین مسئولین قوه مجریه، نبود ساختار و فرایندهای حل اختلاف، وجود نظام تصمیم‌گیری موازی، نامناسب بودن شفاف‌سازی و مرزبندی قوه مجریه، نبود نظام پارلمانی بومی مناسب،

داده‌ها؛ معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری؛ در قالب ۵ بعد و ۳۲ مؤلفه‌ی پیشنهادی استخراج شدند. در پایان ابعاد و مؤلفه‌های پیشنهادی با تکنیک دلفی فازی خبرگان تحلیل و مورد تأیید خبرگان قرار گرفت.

### یافته‌های کیفی پژوهش

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه بوده و داده‌های اولیه از طریق مصاحبه با مدیران قوه مجریه و خبرگان دانشگاهی رشته مدیریت جمع‌آوری شدند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها ابتدا با روش تحلیل محتوا تحلیل شدند. تحلیل محتوای داده‌ها نشان داد معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری، دارای ابعاد پنج‌گانه پیشنهادی به شرح؛ وجود ساختار نامناسب، نظارت نامناسب، نبود قوانین منسجم، وجود سازوکارهای سیاسی نامناسب، نادیده گرفتن ارزش‌ها است. جهت تأیید ابعاد و مؤلفه‌های معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری از روش دلفی فازی<sup>۶</sup> استفاده شده است. نتایج تحلیل دلفی فازی ابعاد و همچنین نتایج تحلیل دلفی فازی مؤلفه‌ها؛ در جداول شماره ۱ و ۲ نشان داده شده است.

نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. مفهوم نمونه‌گیری هدفمند که در پژوهش‌های کیفی به کار می‌رود به این معناست که پژوهشگر، افراد مورد مطالعه را ازین‌رو برای مطالعه انتخاب می‌کند که بتواند در فهم مسئله پژوهش و پدیده محوری مطالعه مؤثر باشند. بر این اساس، داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با خبرگان جمع‌آوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان دانشگاهی رشته‌های مدیریت و مدیران خبره قوه مجریه در ایران بوده است. در مجموع با ۱۹ نفر از خبرگان مصاحبه شده است. برای خبرگان نظریه منشوری تشریح و از آن‌ها خواسته شد تا دیدگاه خود را در خصوص معضلات موجود در قوه مجریه تشریح نمایند. از خبرگان (مشارکت‌کنندگان) پرسیده شد که از نظر آنان؛ معضلات دولت در راستای تفکیک وظایف و ایجاد انسجام بین ساختارها کدامند. مصاحبه با خبرگان تا مرحله اشباع نظری یعنی تا جایی که امکان دستیابی به داده‌های جدید دیگری فراهم نبود، ادامه یافت. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوا، تحلیل شدند. برای تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها از ۲ کدگذار مستقل استفاده شد. برای کدگذاری گزاره‌ها؛ از روش کدگذاری باز استفاده شد. با تحلیل محتوای

جدول ۱: تحلیل نظرات خبرگان در سطح ابعاد پیشنهادی معضلات قوه مجریه با تکنیک دلفی فازی

ردیف	ابعاد معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری	تحلیل نظرات خبرگان در دور اول دلفی فازی		تحلیل نظرات خبرگان در دور دلفی فازی	
		تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	مقادیر فازی زدایی	مقادیر فازی زدایی
۱	وجود ساختار نامناسب	۱۹	۴،۴۷۳	دارد	۰،۶۸۴
۲	نظارت نامناسب	۱۹	۴،۳۶۸	دارد	۰،۶۹۴
۳	نبود قوانین منسجم	۱۹	۴،۳۱۵	دارد	۰،۶۶۴
۴	وجود سازوکارهای سیاسی نامناسب	۱۹	۴،۲۶۳	دارد	۰،۶۱۴
۵	نادیده گرفتن ارزش‌ها	۱۹	۴،۳۱۵	دارد	۰،۶۵۸

جدول ۲: تحلیل نظرات خبرگان در سطح مؤلفه‌های پیشنهادی معضلات قوه مجریه با تکنیک دلفی فازی

ابعاد	مؤلفه‌ها	تحلیل نظرات خبرگان در دور اول دلفی فازی				تحلیل نظرات خبرگان در دور دوم دلفی فازی			
		تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	مجاز دور بعدی	فازی زدایی	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	فازی زدایی	میانگین پاسخ‌ها
وجود ساختار نامناسب	اثربخشی و تعامل بین مسئولین قوه مجریه	۱۹	۴،۴۲۱۱	دارد	۰،۶۸۴	۱۹	۴،۴۷۳۷	۰،۷۰۲	۴،۴۷۳۷
	ساختار و فرایندهای حل اختلاف	۱۹	۴،۳۶۸۴	دارد	۰،۶۴۹	۱۹	۴،۳۶۸۴	۰،۷۵۹	۴،۳۶۸۴
	عدم وجود نظام تصمیم‌گیری موازی	۱۹	۴،۲۱۰۵	دارد	۰،۶۴	۱۹	۴،۱۵۷۹	۰،۷۱۱	۴،۱۵۷۹
	وجود شفاف‌سازی نامناسب و مرزبندی قوه مجریه	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۶۱۴	۱۹	۴،۲۶۳۲	۰،۷۲۸	۴،۲۶۳۲
	عدم وجود ایده نظام پارلمانی بومی مناسب	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۵۸	۱۹	۴،۳۱۵۸	۰،۷۷۲	۴،۳۱۵۸
	اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی	۱۹	۴،۱۰۵۳	دارد	۰،۶۵۸	۱۹	۴،۰۵۲۶	۰،۷۰۲	۴،۰۵۲۶
	مشاوره و هم‌فکری	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۵۹۶	۱۹	۴،۲۱۰۵	۰،۷۱۹	۴،۲۱۰۵
	شفاف نبودن مسئولیت و اختیارات رئیس‌جمهور	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۰۵	۱۹	۴،۳۱۵۸	۰،۷۱۱	۴،۳۱۵۸
	شفاف نبودن آراء و مسئولیت پاسخگویی قوه مجریه	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۵۸۸	۱۹	۴،۲۶۳۲	۰،۷۲۸	۴،۲۶۳۲
	ضعیف بودن تحرک و انسجام ارتباطاتی دولت با مجلس	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۵۸	۱۹	۴،۳۶۸۴	۰،۷۷۲	۴،۳۶۸۴
نظارت نامناسب	وجود ترکیب ناهماهنگ و ناکارا در قوه مجریه	۱۹	۴،۴۲۱۱	دارد	۰،۶۸۴	۱۹	۴،۵۲۶۳	۰،۷۳۷	۴،۵۲۶۳
	ضعف در بازنگری سازوکارهای نظارتی	۱۹	۴،۳۶۸۴	دارد	۰،۶۴۹	۱۹	۴،۳۶۸۴	۰،۷۵۴	۴،۳۶۸۴
	ضعف وجود بهینه‌سازی و نظارت بر نمایندگان	۱۹	۴،۲۱۰۵	دارد	۰،۶۴	۱۹	۴،۲۱۰۵	۰،۷۴۶	۴،۲۱۰۵
	نداشتن تحول در انتخابات و ترسیم نبودن نقش ناظران مجلس	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۵۶۱	۱۹	۴،۲۶۳۲	۰،۷۶۳	۴،۲۶۳۲
	ضعف در نظارت مؤثر بر رفتار و عملکرد قوه مجریه	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۵۸	۱۹	۴،۳۱۵۸	۰،۸۲۵	۴،۳۱۵۸
	ضعف در بازنگری و کارآمد سازی فرایند قانون‌گذاری و اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی	۱۹	۴،۱۰۵۳	دارد	۰،۶۳۲	۱۹	۴،۱۰۵۳	۰،۷۵۴	۴،۱۰۵۳
	ضعف در تبیین شفاف و حیطه‌بندی قوانین	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۶۴۹	۱۹	۴،۲۶۳۲	۰،۷۹۴	۴،۲۶۳۲
	ضعف در تعامل و تفکیک از آیین‌نامه‌های داخلی	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۴	۱۹	۴،۳۱۵۸	۰،۷۴۶	۴،۳۱۵۸
	وجود چالش‌های قانون‌گذاری و اجرای قوانین	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۶۱۴	۱۹	۴،۲۶۳۲	۰،۷۶۳	۴،۲۶۳۲
	تغییر نکردن الزامات مشترک چشم‌انداز و سیاست‌های کلی	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۵۸	۱۹	۴،۳۱۵۸	۰،۷۷۲	۴،۳۱۵۸
وجود سازوکارهای نامناسب	نامشخص بودن تکالیف مشترک برای تحقق مطلوب قانون اساسی	۱۹	۴،۴۲۱۱	دارد	۰،۶۸۴	۱۹	۴،۴۲۱۱	۰،۷۰۲	۴،۴۲۱۱
	شفاف نبودن مسئولیت رئیس‌جمهور برای اجرای قانون اساسی	۱۹	۴،۳۶۸۴	دارد	۰،۵۹۶	۱۹	۴،۳۶۸۴	۰،۷۰۶	۴،۳۶۸۴
	شفاف نبودن، ناکارا بودن و ضعف در قابلیت اجرایی قوانین	۱۹	۴،۲۱۰۵	دارد	۰،۶۴	۱۹	۴،۲۱۰۵	۰،۷۱۱	۴،۲۱۰۵
	نبود انسجام و ثبات مناسب قوانین	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۶۱۴	۱۹	۴،۲۶۳۲	۰،۷۲۸	۴،۲۶۳۲
	نامناسب بودن سازوکارهای اثربخشی چشم‌انداز و سیاست‌های کلی تقنینی در اجرا و نظارت	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۵۸	۱۹	۴،۳۱۵۸	۰،۷۷۲	۴،۳۱۵۸
	اتکا رویکردهای مجلس و دولت به سند چشم‌انداز	۱۹	۴،۱۰۵۳	دارد	۰،۶۸۴	۱۹	۴،۱۰۵۳	۰،۷۰۲	۴،۱۰۵۳
	ضعف تبیین ماهیت و مختصات درسیاست‌های کلی	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۶۴۹	۱۹	۴،۲۶۳۲	۰،۷۵۹	۴،۲۶۳۲
	جامع و فراگیر نبودن سیاست‌های کلی	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۴	۱۹	۴،۳۶۸۴	۰،۷۱۹	۴،۳۶۸۴
	ضعف در پایبندی به رفتارهای ارزشی در نمایندگان و دولت‌مردان	۱۹	۴،۲۶۳۲	دارد	۰،۶۱۴	۱۹	۴،۴۲۱۱	۰،۷۲۸	۴،۴۲۱۱
	وجود فرهنگ گفتاری و رفتاری نامناسب	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۶۵۸	۱۹	۴،۳۶۸۴	۰،۷۷۲	۴،۳۶۸۴
نادیده‌گرفتن ارزش‌ها	تأکید نکردن بر التزام عملی دولت‌مردان و نمایندگان به قانون	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۵۷	۱۹	۴،۳۱۵۸	۰،۷۰۲	۴،۳۱۵۸
	ضعف نمایندگان و دولت‌مردان در اخلاق و منش تجمل‌پذیری	۱۹	۴،۳۱۵۸	دارد	۰،۵۹۶	۱۹	۴،۳۱۵۸	۰،۷۳۷	۴،۳۱۵۸

سال دوازدهم / شماره چهل و یکم / بهار ۱۴۰۰



## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف تبیین معضلات قوه مجریه در پرتو نظریه منشوری انجام شده است. نتایج تحقیق حاضر شامل وجود ساختار نامناسب (اثر بخشی و تعامل بین مسئولین قوه مجریه، ساختار و فرایندهای حل اختلاف، عدم وجود نظام تصمیم‌گیری موازی، وجود شفاف‌سازی نامناسب و مرزبندی قوه مجریه عدم وجود ایده نظام پارلمانی بومی مناسب، اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی، مشاوره و هم‌فکری، شفاف نبودن مسئولیت و اختیارات رئیس جمهور، شفاف نبودن آراء و مسئولیت پاسخگویی قوه مجریه، ضعیف بودن تحرک و انسجام ارتباطاتی دولت با مجلس و وجود ترکیب ناهماهنگ و ناکارا در قوه مجریه)، نظارت نامناسب (ضعف در بازنگری سازوکارهای نظارتی، ضعف وجود بهینه‌سازی و نظارت بر نمایندگان، نداشتن تحول در انتخابات و ترسیم، نبودن نقش ناظران مجلس، ضعف در نظارت موثر بر رفتار و عملکرد قوه مجریه، ضعف در بازنگری و کارآمد سازی فرایند قانون‌گذاری و اتکا نکردن به تحقیقات کارشناسی و ضعف در تبیین شفاف و حیطة بندی قوانین)، نبود قوانین منسجم (ضعف در تعامل و تفکیک از آیین‌نامه‌های داخلی، وجود چالش‌های قانون‌گذاری و اجرای قوانین، تغییر نکردن الزامات مشترک چشم‌انداز و سیاست‌های کلی، نا مشخص بودن تکالیف مشترک برای تحقق مطلوب قانون اساسی، شفاف نبودن مسئولیت رئیس جمهور برای اجرای قانون اساسی، شفاف نبودن، نا کارا بودن و ضعف در قابلیت اجرایی قوانین و نبود انسجام و ثبات مناسب قوانین)، وجود سازوکارهای سیاسی نامناسب (نامناسب بودن سازوکارهای اثر بخشی چشم‌انداز و سیاست‌های کلی تقنینی در اجرا و نظارت، اتکا رویکردهای مجلس و دولت به سند چشم‌انداز، ضعف تبیین ماهیت و مختصات در سیاست‌های کلی و جامع و فراگیر نبودن سیاست‌های کلی) و نادیده

گرفتن ارزش‌ها (ضعف در پایبندی به رفتارهای ارزشی در نمایندگان و دولت مردان، وجود فرهنگ گفتاری و رفتاری نامناسب، تاکید نکردن بر التزام عملی دولت مردان و نمایندگان به قانون و ضعف نمایندگان و دولت مردان در اخلاق و منش تجمل‌پذیری) است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق آذر و همکاران (۱۳۹۶)، میرمحمدی (۱۳۷۸)، میر محمدی و همکاران (۱۳۹۴) همسو است. هنگامی که در یک جامعه آزادی‌های قانونی و جریان انتشار آزاد اطلاعات که از مصداق‌های بارز حق اظهارنظر و پاسخگویی هستند، وجود نداشته باشد، نمی‌تواند به تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در یک کشور منجر شود و از طرفی وجود نهادهای مدنی از قبیل انجمنهای صنفی و اتحادیه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، وجود احزاب و آزادی آنها، انتخابات آزاد و سالم، قدرت بخشی مردم جامعه را به دنبال داشته و این حق را به آنان نمی‌دهد که بتوانند در انتخاب دولت و کنترل آن به معنای واقعی و نه فقط به صورت فرمایشی، دست داشته باشند. تا بدین گونه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نیز نه به صورت یک سویه و از بالا به پایین بلکه مشارکتی و با تعامل دوسویه مردم و دولت انجام و اجرا شود. به همین دلیل زمینه‌ها برای به وجود آمدن معضلات در یک کشور فراهم می‌شود.

. با توجه به مسائل بیان‌شده در خصوص معضلات قوه مجریه به اختصار برای هر معضل پیشنهاد یا پیشنهادهایی ارائه می‌گردد. معضل نخست در این خصوص وجود ساختار نامناسب بود که به مدیران هیات دولت پیشنهاد می‌شود کشور توسط نظامی هدایت شود که رهبران آن به حاکمیت قانون، پاسخگویی، شفافیت، و حق بهره‌گیری از حقوق انسانی و مدنی توجه نموده و با پرورش روحیه خدمت‌گزاری در این مسیر و باتقوا و اخلاق‌مداری در پایبندی به ارزش‌های اسلامی و انسانی الگوی دیگران

پی برده در جهت توسعه خود و قوه مجریه تلاش نمایند.

وجود سازوکارهای سیاسی نامناسب معضل دیگری است که در این رابطه نیاز است مدیران دولتی بصیرت سیاسی خود را تقویت نمایند تا بدین وسیله عملکرد منابع انسانی بهبود یابد و از این طریق توانایی پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌های درست نظام کشور را در خود تقویت نمایند.

آخرین معضل مورد بحث که جزء معضلات مورد اشاره در این مقاله بوده نادیده گرفتن ارزش‌ها می‌باشد که به عوامل قوه مجریه پیشنهاد می‌شود سیاست‌های پیشگیرانه در زمان بحران را از طریق ارزش‌های اخلاقی و ارتباطات اعمال نمایند و در این ارتباط سپردن مسئولیت به مدیران بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و متناسب با شغل آنان صورت گیرد.

#### منابع و مآخذ

- آذر، عادل، ره پیک، سیامک، طلایی نیک، رضا، (۱۳۹۶)، الگوی راهبردی تعامل مجلس و دولت در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال اول، شماره ۲، ۴۵-۶۹.
- حافظ نیا، محمدرضا، کاویانی راد، مراد (۱۳۹۳)، فلسفه جغرافیایی سیاسی، تهران، انتشارات پژوهشکده، مطالعات راهبردی.
- حسین زاده، حامد، محمد زاده، علی، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر بهبود شاخص‌های سلامت اجتماعی، نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی، سال ۳، شماره ۱، ۷۶-۹۸.
- دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سید مهدی (۱۳۸۶)، "نقدی بر منطق عقلی جدید و آثار آن بر نظریه‌های سازمانی". فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۳، پاییز ۸۶، ۱۰۷-۱۳۵.

باشند. همچنین توصیه می‌شود با ایجاد رابطه تعاملی بین سه نهاد دولت، بازار (بخش خصوصی)، و جامعه مدنی بر ارزش‌های بنیادین تأکید نموده و اجرای الگوی حکمرانی خوب را به مثابه راهی مفید و نتیجه‌بخش برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات و تغییرات اساسی در ساختارها و فرایندهای عملیاتی دولت و تأمین انسجام و اتحاد اجتماعی و پیشبرد سیاست‌های اصلاحی و توسعه مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

معضل مهم دیگر نبود قوانین منسجم می‌باشد که به مدیران هیات دولت پیشنهاد می‌شود محیطی فراهم نموده تا کارمندان و مدیران به‌طور ترکیبی و همکار گونه به حل مشکلات اجتماعی بپردازند. این تفکر حکمرانی را شکلی از همکاری چندجانبه دیده و مدیران در این باره با تقویت توانمندی‌های خود در حوزه مربی‌گری، مدیریت تحول، تفکر خلاق و مهارت تعامل مؤثر به منظور بهینه‌سازی کار تیمی و شبکه‌سازی به‌طور مستمر تلاش کنند. در ضمن منافع متفاوت گروه‌های گوناگون موجب دستیابی به اجماع گسترده گردیده که این مهم منجر به تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع گشته و قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه خواهد شد با اذعان به این مسئله که اجماع محوری نیازمند درک درست از دورنمای توسعه انسانی پایدار و شیوه رسیدن به اهداف است. که در نتیجه مشارکت اثربخش را در بین کارکنان تقویت نموده و این همکاری و همیاری در سازمان‌ها، موجب تضمین هوشیاری و احساس مسئولیت در میان هیئت‌مدیره و کارکنان را ضروری می‌نماید.

شاید مهم‌ترین معضل را نظارت نامناسب دانست به دولت‌مردان توصیه می‌شود جهت بهبود کیفیت فعالیت‌ها که یکی از راههای پاسخگویی به الزامات محیطی است نیاز به بهره‌گیری از نظامی معتبر جهت ارزیابی و پاداش دهی است. بر اساس معیارهای عینی و ذهنی مدیران می‌توانند به نقاط قوت و ضعف خود

- challenges. *Islamic Law Magazine*; 9(36): 59-94Bradley.
- Biswas. Rathin, Jana. Arnab, Arya. Kavi, Ramamritham. Krithi, (2018), A good-governance framework for urban management, *Journal of Urban Management*, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.jum.2018.12.009>.
- Biswas (2019). A good-governance framework for urban management. *Journal of Urban Management* 8, pp. 225-236.
- Dadgar, Yadollah, & Nazari, Rouhollah (2012). The impact of economic growth and good governance on misery index in Iranian economy. Springer Science, *Eur J Law Econ*, DOI 10.1007/s10657-012-9327-2.
- Dekker, K & Kempen, R, (2004), "Urban Governance within the Big Cities Policy", *Journal of Cities*, Vol. 21, No. 2.
- Ekundayo, W. J. (2017). "Good Governance Theory and the Quest for Good Governance in Nigeria". *International Journal of Humanities and Social Science*, (7)5, 154161.
- Fazeli M, Jalili M. (2013). Explaining the level of corruption: A comparative study of the effect of governance and good governance. *Quarterly Journal of Social and Cultural Strategy*; 2(5): 7-40.
- Fred. W. Riggs in Giovanni Sartori, *Social Science Concepts: A System Analysis*, Beverly Hill: sage publications, 1984.
- Graham J., Amos B., Plumtre T (2003), *Principles for good governance in the 21st century*, Policy brief No. 15, Institute on Governance.
- Kisingo. Alex, Rollins. Rick, Murray. Grant, Dearden. Phil, Clarke. Marlea, (2016), Evaluating 'good governance': The development of a quantitative tool in the Greater Serengeti Ecosystem, *Journal of Environmental Management* 181, 749-755.
- Lockwood, M. 2010. Good governance for terrestrial protected areas: a framework, principles and performance outcomes. *Journal of Environmental Management* 91(3):754-766.
- Mollick, A., & Vianna, A, V.(2018). "Government Size and Openness: Evidence from the Commodity Boom in Latin America". *Resources Policy*, (59), 318-328.
- Ng obo, Paul & Fouda, Maurice (2012). Goodgovernance Good for Business? a Cross-National Analysis of Firms in African Countries. *Journal of World Business*, 47(3), Pp.435-449.
- Olakunle.Osunyikanmi Pius (2019). Good Governance and National Development: Nigeria in Perspective. *World Journal of Social Science Research*, 6 (1).
- Perez-Perez, M, Serrano Bedia, A. M. Concepcion Lopez-Fernandez, M, GarcíaPiqueres, G. (2018). "Research
- عزب‌دفتر، آسیه و رجبی فرجاد، حاجیه ( ۱۳۹۸ ). تأثیر حکمرانی خوب بر سلامت سازمانی با توجه به نقش میانجی رفتار سیاسی. چشم انداز مدیریت دولتی، ۱۰(۱)، ۱۶۹-۱۴۱.
- طباطبایی مو تمنی، منوچهر، (۱۳۸۶). حقوق اداری، چ ۱۳، تهران، انتشارات سمت.
- قاضی، ابوالفضل، (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چ ۱۲، تهران، نشر میزان.
- قلی پور، آرین (۱۳۸۴). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: مرکز پژوهش‌های استراتژیک.
- عباسی لاهیجی، بیژن، (۱۳۸۸). مبانی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل.
- محمد زاده، پرویز، متوسلی، محمود، بهشتی، محمدباقر (۱۳۹۸). بررسی تأثیر خلاقیت بر توسعه اقتصادی در ایران، سال ۲۴، شماره ۷۸، ۶۱ - ۹۱.
- میر محمدی. سید محمد، (۱۳۷۸)، مطالعه تطبیقی نظام‌های نظارتی، مطالعات مدیریت، ۶۳-۸۴.
- میرمحمدی. سید محمد، الوانی. سید مهدی، قربانی زاده. وجه الله، زینلی. حامد، (۱۳۹۴)، الگوی روابط بین نهاد حاکمیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های مدیریت ایران، دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۸۳-۲۰۵
- Abu Karim M. (2016). DEMOCRACY, PARTY POLITICS AND GOOD GOVERNANCE: The Role of Electoral Management Bodies in Nigeria: *International Journal of Public Administration and Management Research (IJPAMR)*, Vol. 3, No 3. Website: <http://www.rcmss.com>. ISSN: 2350-2231 (Online) ISSN: 2346-7215 (Print)
- Acemoglu, D. , Garcia-Jimeno, C. & Robinson, J . A. (2013). "State Capacity and Development; A Network Approach". NBER, Working Paper, No. 19813
- Asaduzzaman1, M. & Virtanen, P. (2016). "Governance Theories and Models". <https://www.researchgate.net/publication/308911311>.
- Azeez A. (2009). Contesting "good governance" in Nigeria: Legitimacy and accountability perspective. *Journal of Social. science*; 21(3): 217-224.
- Bateni I, Yazdanshenas M. (2006). A look at the process of developing e-government and its

- opportunities on manufacturing flexibility domain: A review and theory-based research agenda", *Journal of Manufacturing Systems*, 48 (1), 9–20.
- Sajid, I. (2017). The impact of Civil Society Organazation on good Governance, *Scientific Journal of Management and Social Sciences*, Volume 1, ISSU1. PP,2-10.
- Taye Demissie Beshi and Ranvinderjit Kaur (2019). Public Trust in Local Government: Explaining the Role of Good Governance Practices. *Public Organization Review*, pp. 1-14.
- Wikner, J & Backstrand, J. (2018). "Triadic perspective on customization and supplier interaction in customer-driven manufacturing", *Production & Manufacturing Research*, 6(1), 3-25.
- Yousaf. Momna, Ihsan. Fareeha, Ellahi. Abida, (2015), Exploring the impact of good governance on citizens' trust in Pakistan, *Government Information Quarterly xxx* (2015).

یادداشت‌ها

<sup>1</sup>Acemoglu et al

<sup>2</sup>*FredRiggs*

<sup>3</sup>Prakash et al

<sup>4</sup>*Azeez*

<sup>5</sup>*Fazeli And Jalili*

<sup>8</sup>*Mollick et al*

<sup>9</sup>*Ng obo et al*

<sup>10</sup>*Lockwood*

<sup>11</sup>*Kisingo et al*

<sup>12</sup>*Graham et al*

<sup>13</sup>*Yousaf et al*



## Explaining the Problems of the Executive Branch in the Light of the Charter Theory in Iranian Government Organizations

Afshin Ariaei<sup>1</sup> - Mohammad Zia Al-Dini<sup>2</sup> - Queen Beheshtifar<sup>3</sup>

### Abstract

**Background:** In the light of the charter theory, governments should be able to separate their tasks well, but to integrate structures very carefully so that they face fewer problems for the development and progress of countries. Recognizing and describing the problems of the executive branch provides a good ground for identifying strengths, weaknesses, opportunities and threats and helps senior managers of government organizations to take effective steps to develop the country with appropriate decisions.

**Objective:** The purpose of this study is to explain the problems of the executive in the light of prismatic theory.

**Methods:** The present study was developmental-applied in terms of purpose and data were collected through semi-structured in-depth interviews with 19 experts from Iranian government organizations and analyzed by content analysis method. Finally, all dimensions and components obtained by fuzzy Delphi technique Were analyzed and confirmed.

**Findings:** The research findings showed that according to experts, the problems of the executive branch in the light of prismatic theory include the five dimensions of inadequate structure, inadequate oversight, lack of coherent laws, inadequate political mechanisms, ignoring values and 32 related components. Conclusion According to the research findings, it can be concluded that the government in order to separate the tasks and coherence of structures; It faces many and complex problems, so it is recommended to the managers of the cabinet. The country should be led by a system whose leaders pay attention to the rule of law, accountability, transparency, and the right to enjoy human and civil rights to change the current inappropriate structure and to solve the social problems of employees and managers through interaction and cooperation. Multilateralism that leads to team empowerment and transformation and creativity leads to the rule of coherent rules instead of the lack of coherent rules at present. Improving the quality of activities, which is one of the ways to meet environmental requirements and is determined through appropriate evaluation and reward, corrects inappropriate monitoring. The existence of inappropriate political mechanisms is another problem that requires government managers with political insight and improving resource performance. Lead to the implementation of the right policies in the country by assigning responsibility to managers based on personality traits and appropriate to the job, both in preventive policies and in times of crisis through moral values and communication has led to more attention to values and ignoring values. Prevention is done.

**Keywords:** Executive Branch Problems, Charter Theory, Government Organizations

---

<sup>1</sup> PhD Student in Public Administration, Department of Management, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. [af4890@yahoo.com](mailto:af4890@yahoo.com)

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Management, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran (Corresponding Author) [mziaaddini@yahoo.com](mailto:mziaaddini@yahoo.com)

<sup>3</sup> Associate Professor of Management, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran. [m.beheshtifar@yahoo.com](mailto:m.beheshtifar@yahoo.com)